

فرسودگی

عباس عبدي

اصطلاح آفتابه خرج لحيم را شنیده‌ايد؟ آفتابه‌هاي قديمي فلزي و حلبی بودند و بعضا کنار لوله یا زیرش سوراخ میشد و با لحيم‌کاري آن را درست می‌کردند. ولي این فرسودگی آن‌قدر ادامه می‌یافت که تعمیر به لحاظ اقتصادی به صرفه نمیشد و بهتر بود که يك آفتابه نو خرید. این مرحله از تعمیر را می‌گفتند که آفتابه خرج لحيم میشود. یعنی خریدن يك آفتابه نو، ارزان‌تر از تعمیر آن میشود. ماجرا این است که هر دستگاه متعارفی يك عمر مفید دارد. برای نمونه خودروها دارای عمر مفیدی هستند از آن مرحله که بگذرند، نگهداری خودرو برای فرد یا محیط زیست و جامعه پرهزینه است و زیان دارد و باید آن را اسقاطی در نظر گرفت و خودروی نو خرید. مسکن هم همین گونه است. حتی حیوانات هم همین هستند، به جایی می‌رسند که هزینه نگهداری آنها بسیار بیش از منافع و سودآوری آنها است. این مرحله نهایت فرسودگی است. برای نرسیدن به این مرحله باید سرمایه‌گذاری کرد. به ویژه در فناوری‌های جدید که دستگاه‌های جدید واجد امکانات بسیار بیشتری هستند، مثل این است که اکنون کسی بخواهد از نسل اول تلفن‌های همراه استفاده کند که فایده‌مندی لازم را ندارد. جامعه و اقتصاد ایران از این حیث در وضعیت فرسودگی قرار دارند. علت اصلی نیز روابط ناکارآمد خارجی در کنار فقدان سرمایه‌گذاری لازم و نبود سیاست‌های علمی است. به طور متعارف برای جبران فرسودگی و استهلاک باید حدود ۱۰ درصد کل سرمایه موجود را سرمایه‌گذاری کرد و هر چه تجهیزات و ساختمان و امکانات و حتی نیروی انسانی فرسوده‌تر شود، درصد لازم برای حفظ کیفیت موجود نیز بیشتر میشود. این فرسودگی را در حمل و نقل می‌توان دید؛ اعم از حمل و نقل هوایی یا زمینی یا جاده‌ها و فرودگاه‌ها و بنادر. در کارخانجات می‌توان دید، در صنعت نفت و کاهش بازدهی چاه‌ها و بد شدن وضع بهره‌دهی آنها، در صنعت پتروشیمی، فولاد و سیمان هم هست. در صنعت گاز و به ویژه انتقال گاز و جلوگیری از اتلاف و کاهش فشار بر شبکه. یکی از بدترین جاهایی که این فرسودگی دیده میشود، در تولید برق و شبکه انتقال آن است.

در این روزها نیز امنیت شبکه و هک کردن سایت‌های اینترنتی برجسته

شده که ناشی از مهاجرت کارشناسان آن از کشور است. فرسودگی به این معنا خوردن از جیب بدون جایگزین کردن و به روز کردن تجهیزات است.

از این نظر بیشترین فرسودگی را در محیط زیست و منابع آبی و کیفیت خاک و حتی شور شدن آن در برخی نقاط شاهدیم. فرسودگی را حتی در نظام اداری هم می‌بینیم. گرچه برخی تحولات همچون نقل و انتقال پول و کارایی بانک‌ها منجر شده ولی توقف نسبی در پیشرفت اینترنت و خدمات آن به علاوه ناکارآمدی مقررات اداری و بانکی، آنها را به ساختارهایی فرسوده تبدیل کرده است.

اگر فرسودگی را در بخش‌های دیگر از جمله آموزش و بهداشت دنبال کنیم، ماجرا عجیب‌تر خواهد شد. با توجه به وضعیت کنونی این احتمال وجود دارد که بخش قابل توجهی از تجهیزات پزشکی به علت فرسودگی یا نبودن لوازم جایگزین از گردونه استفاده خارج شوند یا کاهش کیفیت دارو و سایر امکانات پزشکی موجب ناکارآمدی نظام درمانی خواهد شد. فرسودگی کادرهای پزشکی و پرستاری برای به دست آوردن درآمد کافی جهت زندگی از طریق افزایش ساعات کاری، فشار مضاعفی را بر این ساختار وارد کرده و کیفیت خدمات را بیش از پیش کاهش می‌دهد. فرسودگی شدید پزشکان دستیار با هدف کاهش هزینه درمان به زودی عوارض خود را نشان خواهد داد.

همه اینها يك طرف فرسودگی ساختار تصمیم‌گیر هم يك طرف. ساختاری که مبتنی بر شفافیت، پاسخگویی و علم و مشارکت نخبگان نباشد، از پس مشکلات در حال افزایش بر نخواهد آمد. ساختار فرسوده، ساختاری بسته است و با بیرون از خود تعامل موثری ندارد. مثل ورزشکاری که همیشه تنهایی ورزش می‌کند و حاضر به رقابت با دیگران نیست. چنین ساختاری بسیار محافظه‌کارو به دور از شجاعت است. جامعه را نیز فرسوده می‌کند و از رفع فرسودگی جامعه هم استقبال نمی‌کند و قادر به رفع این فرسودگی نیز نیست.